

سروده های رودکی

www.ketab.ir

پژوهش

علی رواقی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۹

سروده‌های رودکی

پژوهش: علی رواقی

مدیر فنی چاپ: حسین میرزاحسینی

حروف چینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی

چاپ اول: ۱۳۹۹

شماره: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

چاپ: آب‌رنگ نوین

صحافی: فرد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۵-۷۳-۱

ISBN: 978-600-8735-73-1

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، بلوار دکتر

حسن حبیبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴

تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸ (۰۲۱)؛ دوپیکا: ۸۸۶۴۲۵۰۰ (۰۲۱)

وبگاه: www.apll.ir

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

رواقی، علی، ۱۳۲۰ -

سرشناسه

سروده‌های رودکی/نویسنده علی رواقی.

عنوان و نام پدیدآور

تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹.

مشخصات نشر

۸۴۳ص.

مشخصات ظاهری

فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۲۲۳.

فروست

:978-600-8735-73-1

شابک

فیپا

وضعیت فهرست‌نویسی

کتابنامه: ص. ۷۲۹.

یادداشت

رودکی، جعفر بن محمد، - ۳۲۹ق. -- نقد و تفسیر

موضوع

Rudaki, Ja'far ibn Mohammad -- Criticism and interpretation

موضوع

شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد

موضوع

Persian poetry -- 10th century -- History and criticism

موضوع

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

شناسه افزوده

Academy of Persian Language and Literature

شناسه افزوده

PIR۴۴۶۶

رده‌بندی کنگره

۸۱/۲

رده‌بندی دیویی

۶۱۴۷۲۴۶

شماره کتاب‌شناسی ملی

فهرست

آغاز سخن.....	نه
مقدمه.....	سیزده
شیوه پژوهش.....	بیست و سه
نگاهی به چاپ‌های دیوان رودکی.....	بیست و هفت
سروده‌های رودکی.....	۱
قصیده، غزل، قطعه.....	۳
رباعیات.....	۴۰
ابیات پراکنده.....	۴۴
ابیات بازمانده از مثنوی‌ها.....	۶۹
سروده‌های منسوب به رودکی.....	۹۴
یادداشت‌ها.....	۱۱۹
نگاهی به پژوهش‌ها.....	۶۱۳
نمایه‌ها.....	۶۶۱
نمایه سروده‌های رودکی.....	۶۶۳
نمایه سروده‌های رودکی در بخش یادداشت‌ها.....	۶۸۵
نمایه واژه‌ها و ترکیب‌ها.....	۶۹۷
نمایه واژه‌های پهلوی.....	۷۱۷
نمایه واژه‌های سغدی.....	۷۱۹
نمایه نام‌ها و جای‌ها.....	۷۲۱
کتابنامه.....	۷۲۳



آغاز سخن

خوب به یاد دارم در دانشکدهٔ ادبیات مشهد، روزی را که یکی از استادان نامدار ما می‌خواستند دیوان رودکی را برای ما بخوانند و دشواری‌های این متن را برایمان بگویند و ضمناً به ما بیاموزند که چگونه باید از فرهنگ‌های فارسی بهره برد. در کلاس نشسته بودیم که استاد وارد شدند سه یا چهار تن از کارمندان کتابخانه و دانشکده، هر کدام با یکی یا دو دوره فرهنگ در بغل آمدند و کتاب‌ها را روی میز استاد گذاشتند.

میز استاد بر روی سکویی قرار داشت که از کف اتاق حدود سی سانتیمتر بلندتر بود، استاد پشت میز نشستند و از بیت اول دیوان رودکی، چاپ سه جلدی مرحوم نفیسی، آغاز کردند و خواندند و برای یافتن واژه‌ها به فرهنگ‌ها مراجعه کردند و برای ما چند بیت را گفتند، کلاس تمام شد و ما حدود هشت و حداکثر ده بیت را خوانده بودیم.

آن روز به من سخت گذشت و ادامهٔ این درس به این صورت، بسیار دشوار بود، دوگانگی عجیبی پیدا کرده بودم، هم دلم می‌خواست که رودکی را بخوانم و بیاموزم و هم می‌خواستم که این کار هرچه زودتر به سامان برسد، از این روی در پایان درس اجازه گرفتم و به استاد گفتم: «اگر قرار باشد که ما رودکی را به این صورت که امروز خواندیم، بخوانیم، در حدود صد جلسه طول می‌کشد و طبعاً نمی‌رسیم که این کار را...»

استاد نگذاشتند که سخن من به سرانجامی برسد، با اندکی تندى و شاید خشم، که از ساحت ایشان دور می‌نمود، گفتند: «پس خود شما همهٔ کتاب را بخوانید و لغات آن را بیرون بیاورید و در دفتری بنویسید و به ما بدهید.» همین و تمام و حرفی دیگر نزدند

ورفتند.

بناچار در برابر کاری قرار گرفتم که هنوز که هنوز است دشواری و سنگینی آن را حس می‌کنم.

روزها می‌گذشتند و من با رودکی و دشواری‌های واژگانی دیوان کوچکی که از رودکی مانده است، دست به گریبان بودم. با این همه، جان‌زدم و به اصطلاح ترس ورم نداشتم و مشتاقانه هر شب، دست‌کم ده پانزده بیت از رودکی را زیر و رومی‌کردم و لغت‌های ویژه آن را در فرهنگ‌ها می‌کاویدم، برخی را می‌یافتم و پاره‌ای را پیدا نمی‌کردم.

در پایان کار آن دفتر و کتابچه را که بر پایه فرهنگ‌های در دسترس آن روزگار، فراهم شده بود، به خدمت استاد بزرگوارم بردم و به ایشان سپردم.

از این روی اندیشه فراهم آمدن دشواری‌های سروده‌های رودکی را، از آن سال‌های دور در یاد داشتم. در سال ۱۳۹۶ که به دعوت دانشگاه اصفهان به این شهر رفته بودم، در دیدارهایی که با دوست دیرین و نازنینم استاد جمشید مظاهری داشتم، سخن از کارهایی شد که در دست آماده‌سازی دارم و طبعاً سخن از رودکی رفت و استاد به این کار سخت اشتیاق نشان دادند، به تهران که آمدم، شبی استاد از روی لطف برای پرسیدن حالم تلفن کردند و باز هم سخن به رودکی رسید. خوب به یاد دارم که ایشان گفتند که «خیلی دلم می‌خواهد که این کار شما را ببینم».

افسوس و هزار افسوس ...

دریغم آمد که این کتاب را به آن یار عزیز سفرکرده، تقدیم نکنم.

یاد و نام و کوشش‌ها و پژوهش‌هایش همراه پایدار و ماندگار باد.